

تصرفات ناقله وراث قبل از ادای دیون متوفی

حسین قربانیان^۱

چکیده:

به ترکه به جا مانده از متوفی، اصولاً حقوق و دیونی تعلق می‌گیرد، که با پرداخت این حقوق و دیون، می‌توان مالکیت ورثه را نسبت به ترکه، به رسمیت شناخت و تا قبل از آن ترکه دارای شخصیت حقوقی است. بدیهی است این حقوق و دیون به وارثین میت تعلق نمی‌گیرد بلکه به ترکه تعلق دارد و ورثه ملزم نیستند غیر از ترکه چیزی به بستانکاران بدهند. پرداخت این حق و حقوق نیز می‌بایست با رعایت سلسله مراتب پرداختی باشد که قانون‌گذار مشخص نموده و سپس از ترکه چنانچه چیزی باقی ماند، ورثه می‌توانند آن را بین خود تقسیم کنند. در این میان احتمال دارد وراث نسبت به تمام یا بخشی از ترکه اقدام به معاملاتی نمایند و در مقابل طلبکاران دست به اقداماتی از قبیل طرح دعوی ابطال معامله می‌نمایند که در چنین مواردی مخیرند، دیون متوفی را، یا از محل ترکه پرداخت نمایند یا از اموال شخصی خود، که در صورت اخیر جلوی ابطال معامله را گرفته و یا اینکه در صورت عدم پرداخت،

۱. مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود و مسئول واحد ارشاد و معاضدت قضایی دادگاه عمومی بخش بسطام.

سرنوشت عقد را به دست طلبکاران بسپارند.

کلید واژگان: تقسیم ترکه - کشف دین - ادای دیون - تصرفات ناقله - رد و تنفیذ

معامله

مقدمه

ترکه به جامانده از متوفی، همواره به عنوان يك شخصیت حقوقی نام گرفته و مالکیت قطعی ورثه به نسبت سهم الارث‌شان، پس از پرداخت حقوق و دیونی است که به ترکه تعلق گرفته است. اصولاً وراث مخیرند، دیون متوفی را از محل ترکه یا از مال شخصی خود ادا نمایند، آنچه در این میان حائز اهمیت است وضعیت حقوقی تصرفات ناقله وراث نسبت به ترکه و متقابلاً واکنش و نفع طلبکاران در به هم زدن معاملات مذکوره قبل از ادای دیون متوفی و بعد از تقسیم است در بحث حاضر، سعی بر آن داریم به بررسی وجود دین در ترکه قبل و بعد از تقسیم پرداخته و در نهایت به بررسی وضعیت حقوقی معاملات ورثه نسبت به ترکه قبل از ادای دیون متوفی بپردازیم.

مبحث اول (وجود دین در ترکه قبل و بعد از تقسیم

قرآن مجید دیون متوفی را مقدم بر حق ورثه کرده و می‌فرماید: «من بعد وصیه یوصی بها او دین»^۱ با این حال گاه ممکن است ورثه میت قبل از ادای دیون و حقوقی که بر ذمه مورث‌شان بوده است اقدام به مثله کردن ترکه بنمایند و هر يك از وراث، به نسبت سهم خود، جری از ترکه را تصاحب نماید. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا اصولاً وراث حق تقسیم ترکه را قبل از پرداخت دیون متوفی دارند یا خیر و یا منعی برای تقسیم ترکه نخواهد بود. ابتدائاً ماده ۶۰۶ قانون مدنی جهت تبیین بهتر موضوع، بیان می‌گردد: «هر گاه ترکه میت قبل از ادای دیون، تقسیم شود و یا بعد از تقسیم معلوم شود که بر میت دینی بوده است، طلبکار باید به هر يك از وراث نسبت به سهم او رجوع کند. و اگر يك یا چند نفر از وراث معسر شده باشند، طلبکار می‌تواند برای سهم معسر یا معسرین

نیز به وراثت دیگر رجوع کند.»

ماده مرقوم از چند بخش تشکیل شده است. یعنی باید تکلیف چند مسئله را به درستی روشن نمود:

اول (ترکه میت، قبل از ادای دیون تقسیم شود

دوم) بعد از تقسیم معلوم شود که بر میت دینی بوده است

سوم) نحوه مراجعه طلبکار به وراثت

چهارم) در فرضی که يك یا چند از وراثت معسر شده باشند

الف) وضعیت ترکه میت قبل از ادای دیون

قبل از شروع بحث و بررسی مسئله اول لازم است ماهیت حقوقی تقسیم تبیین شود. اصولاً عمل تقسیم مال مشاع یا تقسیم ترکه بین وراثت، بیع یا معاوضه نیست، یعنی این طور نخواهد بود که برای تبدیل مال مشاع به مال مفروز، هر يك از شرکاء از سهم مشاعی که در حصه متعلق به شریک او قرار دارد صرف نظر کند تا بتواند مالک حصه اختصاصی خود گردد، هر چند که این نظریه طرفدارانی در فقه دارد.^۱ در تبیین ماهیت حقوقی تقسیم باید گفت، عمل تقسیم صرفاً «تمیز حق» است و بر اثر تقسیم حصه هر يك از شرکاء از یکدیگر متمایز می گردد و هیچ گونه مبادله و یا معاوضه ای بین طرفین صورت نمی گیرد.

در حقیقت تقسیم زوال حالت اشاعه است و صرفاً سلطه مالکانه شرکاء از حالت مشاع به حالت مفروز، تغییر می یابد و طبعاً این امر تمیز حق است.

بنابراین با دانستن اینکه تقسیم تمیز حق است و قبل از ادای دیون میت، وثیقه طلبکاران است که این حق تبعی مانعیتی برای تقسیم به وجود نمی آورد و این وثیقه تا وصول تمام دین می ماند. می توان حکم به صحت تقسیم قبل از ادای دیون متوفی دارد.

ب) کشف دین، پس از تقسیم ترکه

۱. کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی، عقود معین، ج ۴، ص ۲۵۱.

در مورد مسئله دوم و اینکه چنانچه بعد از تقسیم معلوم شود که بر میت دینی بوده است نیز باید قائل به صحت چنین تقسیمی شد، به دلائلی که قبلاً بیان گردید و با ذکر این نکته که پس از مرگ مدیون، دیون نیز مانند دارائی مثبت شخص، بین وراث به نسبت سهمشان، تقسیم خواهد شد و هر کدام، به نسبت سهمی که از ترکه می برد، مسئول ادای دین خواهد بود. این است که ماده ۲۲۶ قانون امور حسبی بیان می‌دارد: «ورثه ملزم نیستند غیر از ترکه چیزی به بستانکاران بدهند و اگر ترکه برای اداء تمام دیون کافی نباشد ترکه ما بین تمام بستانکاران به نسبت طلب آنها تقسیم می‌شود...». به طور مثال چنانچه وارثین متوفی منحصر به ۳ پسر و ۲ دختر باشد، هر پسر مسئول پرداخت ۱/۴ و هر دختر مسئول پرداخت ۱/۸ از دیون متوفی خواهد بود. البته ورثه مطابق ماده ۲۲۸ قانون امور حسبی می‌توانند دیون را از ترکه یا از مال خود اداء نمایند این ماده، در تأیید نظری است که شخصیت حقوقی ترکه را وثیقه عمومی طلبکاران می‌داند و به لحاظ وجود حق عینی تبعی موجود، وراث می‌توانند دین مورث خود را از مال خود ادا نمایند و ترکه را نزد خویش نگه دارند.

ج) نحوه مراجعه طلبکار به وراث

در مورد مسئله سوم و نحوه مراجعه طلبکار به وراث، باید به میزان مسئولیت هر يك از وراث توجه داشت. در همین زمینه ماده ۲۴۸ قانون امور حسبی بیان داشته است: «در صورتی که ورثه ترکه را قبول نمایند، هر يك مسئول اداء تمام دیون به نسبت سهم خود خواهند بود مگر اینکه ثابت کنند که پس از فوت متوفی، ترکه بدون تقصیر آنها تلف شده و باقیمانده ترکه برای پرداخت دیون کافی نیست که در این صورت نسبت به زاید از ترکه مسئول خواهند بود». و ماده ۲۲۶ قانون مذکور بیان داشته است: «ورثه ملزم نیستند غیر از ترکه چیزی به بستانکاران بدهند و اگر ترکه برای ادای تمام دیون کافی نباشد ترکه ما بین تمام بستانکاران به نسبت طلب آنها تقسیم می‌شود...». پس از ذکر این مواد می‌توان گفت: مسئولیت شخصی هر يك از ورثه در برابر طلبکار در صورتی است که ترکه را قبول

کرده باشند با ذکر این نکته که اقدام به تقسیم ترکه خود قرینه بر قبول آن است و ماده ۶۰۶ قانون مدنی ناظر به موردی است که وراثت ترکه را قبول کرده باشند.^۱ ممکن است ورثه، ترکه را مطابق صورت تحریر ترکه قبول نمایند، در این صورت مطابق ماده ۲۲۲ قانون امور حسبی رفتار می‌گردد. این ماده مقرر می‌دارد: «در صورتی که ورثه فقط مطابق صورت تحریر، ترکه و دیون را قبول کنند باید در ظرف مدت يك ماه از تاریخ فوت مورث، این مطلب را به دادگاه بخش اطلاع دهند در این صورت ورثه ملزمند که دیون متوفی را در حدود صورت ترکه بپردازند هر چند بعد از تنظیم صورت تحریر که ادعای طلب کرده باشند». با تأکید بر این نکته که وراثت بیش از مقدار ترکه به طلبکاران چیزی پرداخت

۱. از واحد مشاوره تلفنی سوال شده است: «خواهان جهت مطالبه وجه يك فقره چك عليه عده ای از صادر کنندگان چك دادخواست تقدیم و خواهان اظهار کرده به علت ندانستن آدرس، تعداد و اسامی سایر وراثت را نمی‌داند فلذا نتوانسته است همه طرفین دعوی را اعلام نماید با عنایت به مراتب فوق آیا وراثتی که علیه آنان طرح دعوا شده است نسبت به کل خواسته بدهکار هستند یا نسبت به سهم خود از ترکه؟ مضافاً اینکه اسامی وراثت حسب اعلام اداره ثبت احوال مشخص گردیده و ترکه نیز ظاهراً تقسیم نشده است و هیچ کدام از وراثت در دادگاه حاضر نشده و دفاعی به عمل نیاورده اند؟ پاسخ: با توجه به مفاد مواد ۲۲۶ و ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۴۰ و ۲۴۶ و ۲۵۵ قانون امورحسبی چنانچه هیچ يك از ورثه ترکه را رد نکرده باشند اولاً دعوی می‌بایستی به طریقت تمام ورثه اقامه گردد ثانیاً ورثه تکلیفی بر پرداخت دین زائد از ما ترك درحق طلبکار ندارند ثالثاً هر يك به نسبت سهم خود از، ترك مسئولیت پرداخت دیون را از، ترك خواهند داشت و بالاخره با مشخص بودن ورثه فقد نشانی تعدادی از آنها موجب آن نخواهد شد که آنها طرف دعوی قرار نگیرند التهایه نسبت به کسانی که نشانی مشخصی ندارند دعوت جهت رسیدگی از طریق نشر آگهی به عمل خواهد آمد و چنانچه به سند مدرکیه خواهان تردید یا ادعای جعلی به عمل نیایند و یا اینکه در پرداخت دین و براءت ذمه دلیلی از جانب خواندگان ارائه نگردد دادگاه می‌بایستی براساس سند مدرکیه و توجه ماده ۲۸۷ قانون آیین دادرسی مدنی رای مقتضی صادر نماید. (اداره کل آموزش کارمندان، مشاوره قضایی تلفنی ۳، ص ۳۰۸) در باب تقسیم ترکه و ادعای مدون بودن مورث نیز سوالی مطرح گردیده است که: «چنانچه در پرونده ای خواسته مشخصاً تقسیم ترکه باشد و در جریان رسیدگی از ناحیه اصحاب دعوی ادعا شود که مورث و افراد حقیقی و حقوقی از قبیل بانک‌ها بدهکار می‌باشند تکلیف دادگاه چیست؟ آیا باید به این ادعا رسیدگی و پس از احراز و کسر دیون از ما ترك نسبت به تقسیم ترکه اقدام نماید یا رسیدگی به این موضوع مستلزم تقدیم دادخواست جداگانه می‌باشد؟ دادگاه در خصوص این خواسته چه تصمیمی اتخاذ نماید؟ اگر وجود دین برای دادگاه احراز شود چه تکلیفی دارد؟ پاسخ: با توجه به متن صریح ماده ۸۶۸ قانون مدنی دادگاه با احراز دیون و ادای آن نسبت به تقسیم مابقی ترکه اقدام می‌نماید» (اداره کل آموزش کارمندان، مشاوره قضایی تلفنی ۳، ص ۲۸۷)

نخواهند نمود.^۱

د) اعسار یا امتناع يك یا چند تن از وراث هنگام مراجعه طلبکار

در مورد مسئله چهارم و اینکه چنانچه هنگام مراجعه طلبکار و وارثین جهت دریافت طلب خویش، با اعسار يك یا چند از وراث مواجه شود. در چنین فرضی، بستانکار می‌تواند برای سهم چنین وارثی به سایر وراث مراجعه نماید چرا که عین ترکه نزد هر کس که باشد (یا بدل آن) وثیقه قانونی برای حفظ حقوق بستانکاران میت است. بنابراین، این ضرورت استفاده از وثیقه است که هنگام مراجعه طلبکار به وراث با اعسار وارثین مواجهه می‌شود و حتی می‌توان قائل به این شد که چنانچه وارثی از پرداخت دین متوفی به اندازه سهم خود امتناع نماید، نصیب او فروخته می‌شود و بهای آن متعلق به طلبکار است.

در فرض اعسار يك یا چند از وراث یا امتناع آنان از ادای دیون متوفی به اندازه نصیب خودشان سؤالی مطرح گردیده است که آیا در این حالت تقسیم به هم بخورد و طلب از تمام ترکه برداشته می‌شود و یا اینکه تقسیم به اعتبار خود باقی است و سهم معسر به نسبت بین دیگران تقسیم می‌شود؟

در پاسخ گفته شده است: برای اثبات بطلان تقسیم باید قائل به این بود هر گاه طلبکار تمام یا بخش نامتناسبی از بدهی مورث را، از حصه یکی از وراث استیفا نماید، در این فرض، تعدیل به هم خورده و باید تقسیم را باطل دانست، چرا که هر جزء ترکه، وثیقه تمام دین است و نمی‌توان طلبکار را مجبور کرد که بخش متناسب را با تعهد هر وراث را از سهم او برداشت، در نتیجه آنکه تقسیم باید به هم بخورد و دین از ترکه برداشته باشد. برای اثبات اعتبار تقسیم باید گفت، مجاز بودن تقسیم ترکه پیش از پرداخت دیون مورث این است که طلبکاران نیز ملزم به مفاد آن می‌شوند، بدین معنی که در برابر آنان نیز وثیقه تقسیم گردد و هر وراث مسئول حصه خود باشد، پس اگر وارثی از پرداخت دین امتناع ورزد، تنها سهم او از ترکه فروخته می‌شود و در صورت از بین رفتن عین ترکه، سایر اجزای

۱. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، عقود معین ۲، ش ۵۵.

دارائی او مورد استفاده قرار می‌گیرد، النهایه با اینکه با تقسیم ترکه، طلب نیز تجزیه می‌شود و دین هر وراثت به دارائی او تحمیل می‌شود و هیچ‌گاه موجب تقسیم بطلان تقسیم نخواهد شد.^۱

به نظر می‌رسد قانون مدنی در ماده ۶۰۶ قانون مدنی از نظریه اخیر پیروی کرده است و باید قائل به این بود که اعسار يك یا چند از وراثت یا امتناع آنان از پرداخت دین متوفی، بطلان تقسیم را در پی نخواهد داشت، به ویژه که بیان گردید، ترکه دارای شخصیت حقوقی بوده و این شخصیت حقوقی وثیقه عمومی طلبکاران است و هر گاه طلبکار با استفاده از حق دینی خود نتوانست به طلب خویش برسد ناچار باید از حق عینی خود استفاده نماید، چرا که پس از فوت مورث، در صورت وجود ترکه، وارث مدیون خواهد بود. چنانکه برخی از فقها هم، قائل به درستی تقسیم هستند، محقق قمی در «جامع الشتات» آورده است: «... در این صورت هر گاه وراثت به قدرالحصه دین میت را ادا کردند، قسمت بر مال خود باقی می‌ماند و هر گاه هیچ‌کدام قیام به ادای دین نکنند، حصه او فروخته می‌شود، یعنی به قدر دین از اصل مال فروخته می‌شود و اگر چیزی بر جا بماند، ثانیاً باید قسمت کرد. و هر گاه بعضی از آنها بقدرالحصه، ادای دین میت نکنند، قسمت در حق آنکه ادا کرده صحیح است و حصه او از برای او باقی است و حصه او که امتناع می‌کند می‌فروشند و به او می‌دهند».^۲

۱. محقق قمی، *جامع الشتات*، ج ۲، ص ۲۵۸.

۲. در قسمتی از حکم شماره ۱۸۸۲ مورخه ۱۳۲۱/۶/۳۱ شعبه هفتم دیوان عالی کشور چنین آمده است: «وراثت ملزم نیستند دین مورث را از محل معینی ادا کند و در صورتی که حاضر باشد دین را از بهای ملک فروخته شده یا از جای دیگر ادا نماید ابطال معامله ضرورت نخواهد داشت.» (متین، احمد، *مجموعه رویه قضایی* قسمت حقوقی، صفحه ۱۳۱) همچنین شعبه چهارم دیوان عالی کشور در حکم شماره ۲۴۰۵ مورخ ۱۳۱۸/۹/۲۹ بیان داشته است: «هر چند دیون متوفی باید از ترکه او اداء شود و تا وقتی که ترکه از متوفی بدست ورثه نرسیده ملزم به اداء دین نخواهد بود ولیکن در عین حال نمی‌بایست به مجرد عدم ثبوت وجود ترکه و یا به صرف عدم احراز وصول آن به وراثت مبادرت به اصدار حکم به بی‌حقی مدعی دین نمود (منبع پیشین، ص ۱۲۸) و شعبه يك دیوان عالی کشور در حکم شماره ۱۴۳۴ مورخ ۱۳۳۴/۷/۱۸ بیان نموده: «با احراز ترکه برای ورثه متوفی، ورثه ملزم به ادای دین متوفی از عین مال خود نخواهد بود» (منبع پیشین، ص ۷۸) در رای شماره ۳۹۴ مورخ ۱۳۳۹/۲/۳۰ شعبه سوم دیوان عالی کشور نیز آمده است»

مبحث دوم) وضعیت حقوقی معاملات ورثه نسبت به ترکه قبل از ادای دیون

متوفی

قانونگذار در باب حفظ حقوق طلبکاران و حقوقی که به اعیان ترکه تعلق می‌گیرد حکمی را بیان داشته، که در صورت انجام معامله از ناحیه وارثین نسبت به اعیان ترکه، طلبکاران می‌توانند آن معامله را ابطال نمایند. حکم قانونگذار در ماده ۸۷۱ قانون مدنی این چنین است: «هر گاه ورثه نسبت به اعیان ترکه معاملاتی نمایند مادام که دیون متوفی تادیه نشده است، معاملات مزبور نافذ نبوده و دیان می‌توانند آن را به هم بزنند». در ماده ۲۲۹ قانون مدنی نیز همین حکم تکرار شده است. مطابق این ماده: «تصرفات ورثه در ترکه از قبیل فروش و صلح و هبه و غیره... نافذ نیست مگر بعد از اجازه بستانکاران و یا ادای دیون». بنابراین مطابق ماده فوق، حکم عدم نفوذ را می‌توان ناظر به کلیه تصرفات ناقل وارثین از قبیل فروش، صلح و هبه و... دانست چرا که این امر از وثیقه عمومی طلبکاران خواهد کاست اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا صرف انتقال تمام یا بخشی از ترکه به دیگری، طلبکاران می‌توانند تقاضای ابطال معامله مذکور را بنمایند؟ به نظر می‌رسد طلبکاران به صرف انتقال تمام یا بخش معینی از اعمال ترکه نتوانند آن را ابطال بنمایند، آن هم به دلایل زیر:

۱- عبارت «... مادام که دیون متوفی تادیه نشده است...» در ماده ۸۷۱ قانون مدنی

۱۳۳۳: «ورثه قائم مقام متوفی هستند و مطابق ماده ۲۳۲ قانون امور حسبی دعوی بر میت باید به طرفیت ورثه اقامه شود هر چند ترکه در ید وارث نباشد لکن مادام که ترکه به دست ورثه نرسیده است مسئول ادای دین نخواهد بود و بنابراین حکم به بطلان و دعوی طلبکار به عنوان عدم وصول مال از مورث به خوانندگان صحیح نبوده است» (منبع پیشین، ص ۳۰۱) شعبه یک دیوان عالی کشور نیز در حکم شماره ۱۷۶۵ مورخ ۱۳۳۱/۱۰/۳۰ خود آمده است: «در صورتی که مورث خواننده در حین فوت چیزی نداشته و مشارالیه از ترکه او استفاده نکرده باشد الزام او به تادیه دین متوفی صحیح نخواهد بود (منبع پیشین، ص ۱۳۰) شعبه هفتم دیوان عالی کشور در حکم شماره ۱۸۸۲ مورخ ۱۳۲۱/۶/۳۱ نیز آورده است «وراث ملزم نیستند دین مورث را از محل معینی ادای کنند و در صورتی که حاضر باشند دین را از بهای ملک فروخته شده یا از جای دیگر ادای نمایند ابطال معامله ضرورت نخواهد داشت» (منبع پیشین، ص

دلالت بر این دارد، چنانچه دیون متوفی ادا گردد حتی بعد از معاملات ناقله، طلبکار نفعی در به هم زدن معامله نداشته باشند.

۲- در قسمت اخیر ماده ۲۲۹ قانون امور حسبی نیز چنین آمده است «... مگر بعد از اجازه بستانکاران و یا اداء دیون» که به نظر می‌رسد سرنوشت انتقال تصرفات ورثه از قبیل فروش و غیره به دو شکل بروز می‌نماید، یا اینکه طلبکاران نسبت به معامله مذکور رضایت دهند و آن را تنفیذ نمایند یا اینکه وراثت دین طلبکاران را بپردازند که در صورت اخیر با پرداخت دین متوفی، بازهم طلبکاران نفعی در به هم زدن معامله نخواهند داشت.

۳- در ماده ۲۲۸ قانون امور حسبی بیان شده است: «ورثه می‌توانند دیون را از ترکه یا از مال خود اداء نمایند». که در این صورت هم بر فرض پرداخت دین از بخش دیگری از ترکه یا از مال خود وارث، دین طلبکاران پرداخت شده و نوبت به ابطال معامله نمی‌رسد.

نتیجه آنکه وراثت مخیرند بعد تصرفات ناقله در اعیان ترکه یا نسبت به ادای دیون متوفی از مال شخصی خود یا از ترکه اقدام نمایند و با این کار جلوی ابطال معامله با ثالث را بگیرند یا اینکه در صورت عدم پرداخت سرنوشت عقد را در مورد رد یا تنفیذ معامله، به دست طلبکاران بسپارند. ممکن است با وضع ماده ۸۶۹ و بکار بردن اصطلاح «اعیان ترکه مثل عینی که متعلق رهن است...» قائل به این نظر بود که، منظور قانونگذار از عبارت «اعیان ترکه»، صرفاً ناظر به وثیقه عینی است که در نزد طلبکاران میت می‌باشد و آنان حق عینی تبعی بر آن دارند و چنانچه ورثه نخواهند یا نتوانند دین مورث خود را به طلبکاران پرداخت نمایند، آنان بتوانند از محل این وثیقه نسبت به استیفای طلب خود اقدام نمایند. به همین جهت است که قانونگذار معاملات مزبور را نافذ دانسته و آن را از ناحیه طلبکاران قابل ابطال دانسته است. نظیر این حکم در ماده ۷۹۳ در باب رهن مقرر گردیده است: «راهن نمی‌تواند در رهن تصرفی کند که منافی حق مرتهن باشد مگر به اذن مرتهن». و حتی در ماده ۶۰۶ قانون مدنی و ماده ۲۲۸ قانون امور حسبی نیز قانونگذار عقیده به این موضوع داشته که در صورت تصرفات ناقله وارث نسبت به ترکه، هر يك از

طلبکاران می‌توانند نسبت به سهم هر وارث به او مراجعه نمایند. در ماده ۶۰۶ قانون مدنی می‌خوانیم: «هر گاه ترکه میت قبل از ادای دیون، تقسیم شود و یا بعد از تقسیم معلوم شود که بر میت دینی بوده است، طلبکار باید به هر يك از وراث نسبت به سهم او رجوع کند و اگر يك یا چند نفر از وراث معسر شده باشد طلبکار می‌تواند برای سهم معسر یا معسرین نیز به وراث دیگر رجوع کند».

در پاسخ به این دیدگاه باید گفت: هر چند قانونگذار در ماده ۸۷۱ صرفاً بیان نموده «هر گاه ورثه نسبت به اعیان ترکه معاملاتی نمایند مادام که دیون متوفی تادیه نشده است معاملات مزبور نافذ نبوده و دیان می‌توانند آن را بر هم زنند»، اما در ماده ۲۲۹ قانون امور حسبی به صراحت تصرفات ورثه در ترکه از قبیل فروش و صلح و هبه و غیره نافذ دانسته مگر بعد از اجازه بستانکاران و یا اداء دیون.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی